



موسسه آموزش عالی رضویه  
(غیردولتی، غیرانتفاعی)

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی رضویه ساوه

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد “M.A”  
گرایش جزا و جرم شناسی

عنوان پایان نامه

مطالعه تطبیقی جرم توهین، افترا، نشر اکاذیب در قانون مجازات اسلامی  
فقه امامیه و فرانسه

استاد راهنما:

جناب آقای سیدباقر میرعباسی

استاد مشاور:

سرکار خانم فریده رفیعی

نگارش:

مهسا مقدسی

زمستان ۱۳۹۹



پاسکزاری:

## باساس فراوان از اساتید کرامی

# صاحب الزمان (عج)

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه متعلق به موسسه آموزش عالی رضویه ساوه

می باشد.



موسسه آموزش عالی رضویه  
(غیردولتی، غیرانتفاعی)

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

موسسه آموزش عالی رضویه ساوه

پایان نامه کارشناسی ارشد

تحت عنوان :

## مطالعه تطبیقی جرم توهین، افترا، نشر اکاذیب در قانون مجازات اسلامی فقه امامیه و فرانسه

در تاریخ      پایان نامه دانشجو      توسط کمیته تخصصی داوران مورد بررسی      تصویب نهایی قرار گرفت.

۱-استاد راهنما: امضاء

۲-استاد مشاور: امضاء

۳-استاد داور: امضاء

به نام خدا

نام و نام خانوادگی : مهسا مقدسی

عنوان پایان نامه:

مطالعه تطبیقی جرم توهین ، افترا ، نشر اکاذیب در قانون مجازات اسلامی

فقه امامیه و فرانسه

استاد راهنما:

اینجانب ایمان مطهری تهیه کننده پایان نامه کارشناسی ارشد حاضر خود را ملزم به حفظ امانت داری و قدردانی از زحمات سایر محققین و نویسندگان بنا بر قانون **copyright** می دانم. بدین وسیله اعلام می نمایم که مسئولیت کلیه مطالب درج شده با اینجانب می باشد و در صورت استفاده از تصاویر ، جداول و مطالب سایر منابع، بلافاصله مرجع آن ذکر شده و سایر مطالب از کار تحقیقاتی اینجانب استخراج گشته است و امانت داری را به صورت کامل رعایت نموده ام. در صورتی که خلاف این مطلب ثابت شود، مسئولیت کلیه عواقب قانونی با شخص اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

امضاء و تاریخ:

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	۱
مقدمه.....	۲
فصل اول: افتراء در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی	
بخش اول: تعاریف , ارکان و اجزاء قانونی جرم افتراء .....	۶
مبحث اول: تجزیه و تحلیل مطالب جرم افتراء و نشر اکاذیب .....	۸
مبحث دوم: نمونه آراء صادره در خصوص افتراء و نشر اکاذیب .....	۱۱
بخش دوم: جرم افتراء در قانون مجازات اسلامی.....	۱۵
مبحث اول: انواع افتراء .....	۱۸
مبحث دوم: افتراء لفظی و کتبی .....	۱۹
مبحث سوم : اسناد.....	۱۹
فصل دوم: تشویش اذهان عمومی و اشاعه و نشر اکاذیب	
بخش اول: تشویش اذهان عمومی .....	۳۲
مبحث اول: تشویش اذهان عمومی در چه جرم هایی است.....	۳۲
مبحث دوم: تهدید به عیب گذاری.....	۳۲
مبحث سوم: نشر اکاذیب .....	۳۳
بخش دوم: مفاهیم و کلیات نشر اکاذیب.....	۳۴
مبحث اول: نشر اکاذیب در لغت.....	۳۴
مبحث دوم: نشر اکاذیب در اصطلاح.....	۳۵
مبحث سوم: نشر اکاذیب در رسانه .....	۳۶
فصل سوم: نشر اکاذیب در اینترنت	
بخش اول: مهمترین جرایم رایانه ای در بستر سایبر .....	۳۹
مبحث اول: قانون جرایم یارانه ای در اختصاص به هتک حیثیت و اشاعه اکاذیب .....	۳۹



۴۰	مبحث دوم: رکن مجرمانه نشر اکاذیب در رسانه ها
۴۰	بخش دوم: عنصر قانونی جرم هتک حرمت و اشاعه اکاذیب
۴۱	مبحث اول: عنصر مادی جرم هتک حرمت و اشاعه اکاذیب
۴۲	مبحث دوم: عنصر معنوی جرم هتک حرمت و اشاعه اکاذیب
۴۲	مبحث سوم: نشر اکاذیب در فضای مجازی
۴۳	مبحث چهارم: شرایط تحقق جرم نشر اکاذیب
۴۳	مبحث پنجم: اظهار اکاذیب , مقید به وسیله
۴۴	مبحث ششم: نشر اکاذیب جرم مطلق
۴۴	مبحث هفتم: مصادیق جرم نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی
۴۹	نتیجه گیری
۵۳	پیشنهادات
۵۴	منابع و مآخذ

یکی از اتهامات انتسابی شایع به ویژه به اصحاب رسانه و گاهی فعالان سیاسی کشورما، ارتکاب نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی است که متأسفانه رویه قضایی در انطباق مصداق با ماده قانون و تشخیص قضایی ارتکاب این جرم، اغلب رویکردهای متفاوت دارد، به نحوی که در برخی از احکام صادره، عبارت «تشویش اذهان عمومی» در کنار نشر اکاذیب و به عنوان یک جرم مستقل ذکر شده در حالی که با مراجعه به قوانین جزایی، جرمی تحت این عنوان ملاحظه نمی‌شود و تشویش اذهان عمومی بخشی از عنصر روانی «سوءنیت خاص» برای تحقق جرم نشر اکاذیب است. نگارنده طی یادداشت‌ها و یا مقالات متعدد به تحلیل ارکان متشکله «نشر اکاذیب» و تبیین «مفهوم تشویش اذهان عمومی» در مطبوعات پرداخته است. اما کاربرد قضایی شایع این جرم به خصوص در جرایم مطبوعاتی و وجود نکته‌های ظریف در زمینه تشخیص قضایی و احراز ارکان متشکله آن، ضرورت نگارش مقالات بیشتر را ایجاب می‌کند به ویژه این که در اغلب تألیفات کتب حقوق جزایی، آن چنان که باید تشریح عناصر تشکیل دهنده این جرم و تفاوت آن با ارکان جرایم دیگر علیه حیثیت و شرافت اشخاص مانند افترا، مطالب کافی گنجانده نشده است. از این رو، اغلب دانش آموختگان حقوق، در تشخیص مصداق‌های نشر اکاذیب با مشکل مواجهند همین‌طور اغلب قضات کیفری نیز در تشخیص قضایی خود از نشر اکاذیب تفسیرها و یا برداشت‌های متفاوت و خلاف قانون دارند. این پژوهش ابتدا به تعاریف و کلیات پرداخته، سپس هتک حرمت و نشر اکاذیب را هر کدام به تنهایی بررسی می‌کند. آنگاه درصدد بررسی حقوقی جرم است و در این مبحث عنصر قانونی، مادی و معنوی جرم بررسی می‌شود که در ضمن بیان عنصر قانونی اتهامات موجود را بیان می‌دارد. آنگاه به مقایسه جرم هتک حرمت و نشر اکاذیب با توهین و افترا می‌پردازد.

واژگان کلیدی: توهین، افترا، نشر اکاذیب، قانون مجازات اسلامی، فقه امامیه، حقوق جزای فرانسه

جرائم علیه شرافت و حیثیت اشخاص، برخلاف جرائم قبلی فاقد اجبار مادر است، زیرا این قبیل جرائم به وسیله گفتار و رفتار و کردار اشخاص صورت می گیرد ولی تماس فیزیکی با طرف جرم پیش نمی آید و فقط از طریق انتساب یا ذکر کلمات زشت به دیگری یا انتشار مطالب ناروا و اشارات گوناگون به نحوی که عرفا و قانون حیثیت و شرافت طرف جرم را لکه دار سازد، صورت می گیرد. در قانون مجازات اسلامی - تعزیرات، مواد ۶۹۷ تا ۷۰۰ به افتراء و توهین و هتک حرمت پرداخته اند. ولی همه مواردی را که بنا بر معنای عرفی، تعریف و ضابطه حقوقی و علمی در حقوق جزای اسلامی، بتوان به عنوان «افتراء و توهین و هتک حرمت» شناخت، در بر نمی گیرند.

نتیجتاً این قسمت از قانون فاقد جامعیتی است که عنوان آن اقتضاء دارد. در پاره ای از مواد قانون مجازات اسلامی، موارد دیگری که با کیفیات خاص خود ممکن است تحت عنوان «افتراء، توهین و هتک حرمت» قرار گیرند، وجود دارند. چنانچه مواد ۲۴۵ تا ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی، قذف که نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری است هر چند مرده باشد را نوعی افتراء تلقی می کنند. همچنین در مواد مختلفی، توهین به رئیس یا نماینده سیاسی یک مملکت خارجی در جمهوری اسلامی ایران، توهین به دارندگان مناصب، مشاغل و مقامات دولتی، هتک حرمت به وسیله مطبوعات و توهین نسبت به وکلای دادگستری و بالاخره هتک حرمت و توهین ساده به صورت فحش و ناسزا در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، نتیجه هر افتراء و توهینی نسبت به هر کس هتک احترام اوست. در حد شناسایی قانون می توان دو اصطلاح هتک حرمت و توهین را مترادف یکدیگر و به یک معنا دانست اما توهین و افتراء در عین اینکه وجه اشتراک دارند، ولی از یکدیگر متفاوت می باشند.

نتیجه هر افترائی به مفهوم کلی، توهین و هتک احترام است زیرا نسبت دادن ارتکاب جرم به دروغ به شخصی، اهانت و هتک حرمت وی می باشد. اما ممکن است توهین و هتک حرمت به وسیله افتراء صورت نگیرد. نسبت دادن بسیاری از امور ولو جرم هم باشد، هر چند که راست هم باشد به کسی با اداء کلمات و الفاظ و حتی حرکات و اشارات و به طور کلی نسبت دادن هر فعل یا ترک فعلی که باعث کسر شأن و اعتبار و آبروی او گردد، توهین و موجب هتک حرمت خواهد گردید. پس هر افترائی یعنی نسبت دادن ارتکاب هر جرمی به دروغ، توهین و هتک حرمت است ولی هر توهین و هتک حرمتی، افتراء نیست یعنی مفهوم توهین اعم است از افتراء. به تعبیر منطقی، توهین و هتک حرمت نسبت به افتراء، عموم و خصوص است و افتراء، وجه و شکل خاصی از توهین و هتک حرمت است که با اسناد جرم توأم می باشد. از این رو مطالب این مقاله دو فصل جداگانه افتراء - اشاعه و نشر اکاذیب مورد بررسی و مطالعه قرار خواهد گرفت.

# فصل اول:

## افتراء در فقه امامیه و

## قانون مجازات اسلامی

افترا در شرع مقدس اسلام با تحقیق و جست‌وجو در موارد کاربرد آن در روایات و کتاب‌های فقهی در بیشتر موارد به معنای نسبت ناروای زنا و ارتباط نامشروع دادن به اشخاص می‌باشد. چنان‌که امام صادق (ع) فرمود: «امام علی (ع) حکم داد که افترا بستن سه گونه است: ۱. مردی را متهم به زنا سازد پ، ۲. بگوید مادرش زناکار است، ۳. او را به غیر پدرش منتسب سازد،

در این افترا در معنای لغوی خود عبارت از دروغ بر بافتن می‌باشد در کتاب منتهی الارب فی لغه العرف افترا بمعنی دروغ بر بافتن فری (بروزن غنی) بمعنی دروغ بر بافته و فریبه‌معنی دروغ ذکر شده است در تعبیر حقوقی بموجب ماده ۱۴۰ قانون تغزیرات مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ افترا نسبت دادن امری که مطابق قانون جرم تلقی می‌شود بیان شده است. افتراء و نشر اکاذیب از موضوعاتی است که در جوامع و ادیان مختلف از آنها بعنوان اعمال اهریمنی و شیطانی یاد شده است در ایران قبل از اسلام به گفتار و پندار و کردار نیک توصیه و توجه زیادی مبذول گشته و از دروغ‌گوئی و نشر اکاذیب بعنوان صفات اهریمنی نام برده شده است..

در قرآن کریم دروغ‌گوئی و بهتان و افترا و سخن چینی از معاصی بزرگ و مخالف با اسلام معرفی و در آیات متعددی به آنها اشاره گردیده است. در آیات (۲۲۱ تا ۲۲۶) سوره الشعراء دروغ گوین و دروغ سازان در زمره افرادی که شیطان بر آنها نازل گردیده معرفی شده اند.

هل انبئکم علی من تنزل الشیاطین تنزل علی کل افاک اثیم. یلقون السمع و اکثرهم کاذبون والشعراء یتبعهم الغاوان  
الم تر انهم فی کل وادیهمون.

آیا به شما اطلاع بدهم که شیطان بر چه اشخاصی نازل میشود. نازل میشود بر هر دروغ‌گوی بزهکاری که به اسرار مردم گوش داده و بیشتر آنها دروغ‌گویند و شاعرانی که از ایشان پیروی می‌کنند گمراهان. آیا ندیدید که ایشان در هر وادی سرگشته می‌روند.

آیه ۲۴ سوره نور

ان الذین یرمون المحصنات الغافلات المومنات لعنوا فی الدنیا و الاخره ولهم عذاب عظیم.

بدرستی که آنان که بزنان پاکدامن باایمان نسبت زنا می دهند لعنت کرده شدند در دنیا و آخرت و جهت آنان عذاب بزرگی قرارداد شده است.

در قرآن کریم در سوره ها و آیات زیادی نسبت به نکوهش دروغگوئی و بهتان اشاره شده است که به دو مورد فوق بسنده گردید.

افترا در قانون تعزیرات در ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ بزه افترا بشرح ذیل بیان شده است.

((هرکس بوسیله اوراق چاپی یا خطی یا انتشار آنها یا بوسیله درج در روزنامه و جراید بانطق در مجامع بر کسی امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق قانون آن امر جرم محسوب میشود نسبت دهنده مفتری خواهد بود مشروط بر اینکه نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید مجازات مفتری جز در مواردی که حد تعیین شده تا ۷۴ ضربه شلاق است))

بطوریکه ملاحظه میشود قانونگذار برای بزه افترا شرایطی را تعیین نموده است که بدون جمع آن شرایط جرم افترا تحقق پیدا نمی کند زیرا بطور اجمال بشرح شرایط تحقق افترا می پردازیم.

اولاً کیفیت ارتکاب افترا در ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات فقط از طریق اوراق چاپی یا خطی یا انتشار یا درج در روزنامه و جرائد بانطق در مجامع پیش بینی شده است بنابراین اگر از طریق دیگری جرمی به کسی نسبت داده شود افترا تلقی نخواهد شد مثلاً اگر شخصی حضوراً و در داخل اطاقی با دیگری مشاجره کرده و او را زد و قاتل خطاب کند هر چند سرقت و قتل دارای جنبه کیفری بوده و در زمره جرائم مهم قرار دارند لیکن موضوع بالتفات به شرایط مندرج در ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات منطبق با افترا نسبت بلکه مرتکب از جهت توهین شفاهی قابل پیگرد قانونی میباشد.

ثانیاً، بارعایت شرایطی که فوقاً ذکر شد بایستی شخصی که مورد منافق قرار گرفته مشخصاً تعیین گردد و بزه انتسابی را صراحتاً بوی نسبت بدهند مثلاً بانطق در یک مجمعی صریحاً گفته شود که حسن مبلغ یک میلیون تومان از فلانی کلاهبرداری کرده است لیکن اگر مورد انتسابی صراحت نداشته و به شخص معینی منتسب نگردد و تحت عناوین کلی و بطور غیر صریح و به تعداد نامعلومی اطلاق شود چنین امری از مصادیق افترا محسوب نخواهد شد. مثلاً اگر گفته شود ((می گویند اهالی فلان قریه دزد و جانی هستند)) یا ((شنیده ام فلانی آدم جانی و دزدی است)) چون در موارد

اخیرالذکر موضوع اتهام و افراد متهم بطور صریح و منجر مشخص و معین نشده و خودمورد اتهام نیز به نقل قول و مسموعات از دیگران بطور مشکوک و مبهم بیان گردیده است لذا مرتکب تحت عنوان افترا مندرج در ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات قابل تعقیب نیست.

### بخش اول: تعاریف، ارکان و اجزاء قانونی جرم افتراء و نشر اکاذیب

جرم: قانون مجازات اسلامی، در ماده ۲، جرم را چنین تعریف می کند: «هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود». در تشریح این تعریف می توان گفت که جرم می بایست یک نمود بیرونی داشته و یک رفتار یا ممانعت ممنوعه باشد. برای اینکه رفتاری جرم محسوب شود باید در قانون به عنوان جرم پیشبینی شده باشد و مبنای شرعی تا زمانی که بصورت قانون در نیامده باشد در قضاوت تأثیری ندارد.

افترا: افترا در اصطلاح حقوقی عبارت است از این که فردی جرمی را به دیگری نسبت بدهد و قادر به اثبات آن نباشد. نوع دیگری از افترا هم وجود دارد و آن افترای عملی است بدین صورت که فردی آلات و ادوات جرم یا وسایلی که ممکن است فرد را در مظن اتهام قرار دهد در منزل یا وسایل یا محل کار فرد دیگر پنهان کند تا با پیدا شدن آنها فرد در مظن اتهام قرار گیرد

نشر و اشاعه اکاذیب: نشر اکاذیب به معنای انتشار و اشاعه اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع به غیر یا تشویش

اذهان عمومی یا مقامات رسمی است انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت، افتراء، فحش و به کار بردن الفاظ رکیک یا نسبت های توهین آمیز و نظایر آن به اشخاص ممنوع است. در اظهار اکاذیب، نسبتی به دیگری داده نمی شود بلکه اخبار یا مطالب بی اساس به طور کلی اظهار می شود. نشر اکاذیب از جرائم مطلق است و تحقق آن موکول به وقوع نتیجه ضرر یا تشویش نیست. عناوین نشر اکاذیب یا اشاعه اکاذیب برگرفته از متن ماده ۶۹۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ایران و شامل هر ۲ مصداق اعمال مجرمانه جرم یعنی اظهار اکاذیب و

همچنین جرم، انتساب اعمال خلاف حقیقت به دیگران است.

جرم اشاعه اکاذیب جز با شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب نیست

تشویش اذهان عمومی: (تشویش) مصدر باب تفعیل از ریشه «شوش» به معنای نابسامان کردن و بهم ریختن است مراد از تشویش اذهان عمومی، در معنای عام این است که انسان با گفتار، رفتار و یا نوشتار به صراحت یا به کنایه، سبب آشفتگی ذهنی جامعه نسبت به شخص یا اشخاص و گروه‌هایی شود که در نتیجه آبرو یا اعتبار آنان در جامعه خدشه‌دار گردد؛ چه آنکه آنچه نسبت داده شده، مطابق با واقع و راست باشد و یا آنکه دروغ باشد. مبنای قانونی این جرم در ایران، ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی می‌باشد: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود.

هر چند کلمه افترا واژه خوشایندی نیست اما گاهی اوقات پیش می‌آید که اشخاص پا را از گلیم قانونی خویش فراتر می‌نهند و به حقوق دیگران تعدی می‌نمایند از این رو به ناچار زیان‌دیده به منظور جبران و بازگشت حق از دست رفته خویش و تنبیه متجاوز چاره‌ای جز دادخواهی و اعلام شکایت کیفری ندارد که مرجع صلاحیت‌دار قضایی پس از بررسی‌های لازم نهایتاً اعلام می‌کند که شاکی یا حق طرح شکایت را داشته یا نداشته است و در صورت العام عدم استحقاق شاکی، در این موقع است که موضوع جرم افترا آشکار می‌گردد. همانطور که می‌دانیم بزه افترا در لغت به معنی تهمت زدن است. شکل قانونی تعریف آن نیز به گونه‌ای است هرگاه بی‌شبهت به تعریف عرفی آن نمی‌باشد. قانونگذار اعلام کرده هرگاه کسی با نوشته یا به صورت نطق یا به هر وسیله دیگر در مجامع به شکل صریح و واضح جرمی را به دیگری نسبت دهد که نتواند درستی امر مورد ادعای خود را ثابت کند و یا اینکه فحشاء را اشاعه و سرایت دهد حتی اگر بتواند فحشاء را ثابت نماید کلاً مفتری محسوب می‌شود.



ارکان و اجزاء قانونی جرم افترا عبارتند از:

۱. جرمی را بصورت صریح و واضح به دیگری نسبت دهد.
۲. آن جرم امر پوچ و واهی باشد یعنی ساخته تخیلات ذهن شاکی باشد.
۳. با انگیزه ضرر زدن و هتک حیثیت آن جرم را به غیر نسبت دهد.
۴. نسبت دهنده (شاکی) نتواند درستی موضوعی را که به دیگری نسبت داده در مرجع قضایی صلاحیت دار به اثبات برساند.

که در این صورت شاکی اولیه با شکایت مشتکی عنه (متهم همان پرونده در پرونده دیگر) قابل تعقیب کیفری است. بدیهی است که در صورت اثبات شکایت شاکی در آنچه که وی ادعا کرده و به دیگری نسبت داده است منحصرأً موجبات معافیت او از مجازات در دادگاه فراهم می گردد. قابل ذکر است اگر کسی از روی عصبانیت و ناراحتی به دیگری بگوید ای دزد و یا کلاهبردار موضوع توعین است و افترا نیست.

## مبحث اول: تجزیه تحلیل مطالب جرم افتراء و نشر اکاذیب

مثلاً شخص "الف" مدعی است که آقای "ب" اتومبیلش را سرقت کرده است و پرونده امر پس از بررسی های معموله قضایی با صدور قرار منع پیگرد یا حکم برائت قطعی مختومه شده است. آیا در این قضیه شاکی به عنوان مفتری قابل تعقیب کیفری است. در این مثال چند حالت ممکن است اتفاق بیفتد:

اول- یا اینکه شاکی واقعاً اتومبیلی داشته که ثابت شده قطعاً به سرقت رفته و صاحب مال با دلایل یا توضیحاتی که پیش خود داشته به این نتیجه رسیده که شخص "ب" آنرا سرقت کرده است و این امر در دادگاه هم به اثبات می رسد که در اینجا شاکی مفتری به حساب نمی آید.

دوم- یا اینکه ممکن است شاکی اتومبیلش واقعاً سرقت شده باشد ولی شخص "ب" آنرا سرقت نکرده بلکه دیگری آنرا سرقت نکرده بلکه دیگری آنرا سرقت کرده است. در اینصورت هم شاکی چون گریز و چاره ای جز اعلام شکایت نداشته و قصد وی دادخواهی بوده نه چیز دیگر در اینجا هم وی مفتری تلقی نمی گردد.

سوم- ممکن است اتومبیلش سرقت نشده باشد یا اساساً اتومبیلی نداشته که به سرقت رفته باشد ولی جرم سرقت مذکور را به دیگری نسبت می دهد و شکایت وی مردود اعلام می گردد. در این مورد وی به عنوان مفتری قابل تعقیب کیفری است. زیرا شاکی در این قضیه به قصد اضرار به دیگری و برخلاف واقع و به انگیزه هتک حیثیت دیگری اعلام شکایت کرده است و قصد وی تظلم و دادخواهی نبوده است. زیرا وقتی شاکی یا نسبت دهنده جرم، موضوع و ارمی ارتجالی و از پیش خود ساخته را که اساساً و در حقیقت آن واقعه رخ نداده است به دروغ و برای زیان دیگری و با علم و اطلاع به کذب بودن آن و عمدتاً و با سوء نیت خاص به دیگری نسبت می دهد مفتری محسوب می شود. بدیهی است که اگر شاکی بر اثر یک اشتباه قابل چشم پوشی امری را به دیگری نسبت دهد و پنداشته آنچه را که می نویسد یا می گوید در طبیعت هم آن واقعه اتفاق افتاده درست است، مسئول نمی باشد. قابل ذکر است که دادگاه عالی انتظامی قضاوت و اداره حقوقی وزارت دادگستری در نکات ذیل در مورد افتراء عقیده واحدی دارند به این معنی که می گویند افتراء زمانی مصداق دارد که در خود شکایت معلوم باشد که مقصود و منظور شاکی بیان مطلبی سراپا دروغ برای ضرر زدن و هتک حیثیت دیگری است که این موضوع باید در نظر مرجع صلاحیتدار قضایی ثابت شود. و از آنجایی که آبروی مسلمان به منزله خون اوست اساساً تهمت یا افتراء از نظر شرعی و عرفی و اخلاقی عملی زشت و ناپسند و نفرت آور است و به همین اعتبار اشخاص باید به هنگام اعلام شکایت جداً تمام مسایل و جهات شرعی و قانونی و اخلاقی را در نظر بگیرند تا خدای ناکرده سبب هتک حیثیت دیگران را فراهم نکنند و خود نیز به دردسر نیفتند که در صورت رعایت جمیع جهات قضیه موجب خشنودی خداوند متعال و رستگاری خویش را فراهم می نمایند و بی دلیل باعث دشمنی و کینه دیگران نسبت به خود نمی شوند و در ضمن از کثرت کار قضایی هم جلوگیری خواهند نمود.

شخصی مدعی می گردد که دیگری منزلش را به آتش کشیده است در این موضوع هم، پرونده پس از بررسی و با احراز و اثبات بی گناهی متهم مختومه و بایگانی می شود. در این مثال هم چند فرض را پیش رو داریم:

الف- معلوم می شود که منزل شاکی اساساً در معرض حریق قرار نگرفته است.

ب- ممکن است منزلش در اثر عوامل دیگر مانند اتصال برق یا بی احتیاطی شخص شاکی دچار حریق شده باشد. در این موارد همانند بند ج مثال قبلی شاکی با وصف آگاهی از دروغ بودن شکایت و تنها به قصد هتک حیثیت و ضرر زدن به دیگری به عنوان دادخواهی مبادرت به اعلام شکایت کذب کرده است که به محض اینکه تصمیم قطعی بر بی گناهی متهم اتهاذ شود متهم بی گناه می تواند شاکی موصوف را به عنوان مفتری تحت پیگرد قانونی قرار دهد.

ج- احتمال دیگری نیز وجود دارد به این ترتیب که واقعاً منزل شاکی توسط دیگری چه به صورت عمد یا غیر عمد به آتش کشیده شود. در اینجا متضرر چاره ای جز دادخواهی ندارد. زیرا در چنین موردی قانون اساسی و قوانین عادی حاکم بر جامعه چنین حقی را برای شاکی تجویز کرده است. زیرا آنچه مسلم است چون شاکی شخصاً نه قادر به احقاق است و نه قانوناً مجاز به چنین اقدامی می باشد و در صورت استنکاف و تمرد شخص مظنون از جبران خسارت شاکی در این حادثه، وی ناگزیر باید به مرجع صلاحیتدار قضایی برای احقاق حق خود رجوع نماید. به دلیل اینکه شکایت وی اعلام امر پوچ و کذبی نیست و اقدام وی در طرح شکایت به تجویز قانون بوده و عمل وی به دلیل عدم احراز سوء نیت و فقدان رکن معنوی جرم مصداق افترا نداشته وی معاف از تعقیب است. هر چند که شاکی قادر به اثبات موضوع توجه اتهام به متهم نباشد و در نتیجه متهم از اتهام انتسابی تبرئه شود. بدیهی است که اگر شاکی بر اثر یک اشتباه قابل چشم پوشی امری را به دیگری نسبت دهد و پنداشته آنچه را که می نویسد یا می گوید و در طبیعت و عالم مادی آن واقعه اتفاق افتاده است درست بوده، مسئول نمی باشد. قابل ذکر است که دادگاه عالی انتظامی قضاوت و اداره حقوقی وزارت دادگستری در نکات ذیل در مورد افترا هم عقیده اند به این معنی که متفقاً می گویند افترا زمانی مصداق دارد که از خود شکایت معلوم باشد که منظور و مقصود شاکی بیان مطلبی سراپا دروغ برای ضرر زدن و هتک حیثیت دیگری است که این موضوع باید در مرجع صلاحیتدار قضایی ثابت شود.

## مبحث دوم: نمونه آراء صادره در خصوص افتراء و نشر اکاذیب

بسمه تعالی

تاریخ رسیدگی ۹۹/۹/۲۵ کلاسه پرونده.....شماره دادنامه.....مرجع رسیدگی شعبه ۲۱۱ عمومی

تهران مستقر در مجتمع قضایی شمیران

شکات: محمد و شهریار.... - تهران....

متهمه: ن... به نشانی

موضوع شکایت: افتراء

رای دادگاه: در پرونده کلاسه ... آقایان محمد و شهریار شکایتی ((به طرفیت خانم ن... دایر بر هتک حرمت مطرح و طی شکایت خود خلاصتاً اعلام کرده اند که: خانم مشتکی عنها طی پرونده کلاسه... صراحتاً اینجانبان را به عنوان خیانت در امانت مورد اتهام و تعقیب قرار داده اند که در نهایت بلحاظ اینکه در پرونده امر هیچ گونه دلیلی که ارتکاب بزه خیانت در امانت را از طرف متهمان ثابت نماید وجود نداشته است و بلحاظ عدم احراز وقوع بزه و رعایت اصل کلی حکم برائت صادر گردیده است از آنجائی که شماییت شکایه بدون دلیل فقدان سمت مطرح شده بود و در اثر پافشاری در طرح این اتهام در جریان تعقیب و رسیدگی موجبات هتک حرمت و ورود ضرر و زیان مادی و معنوی برای اینجانبان فراهم شده است به استناد ماده ۱۴۱ قانون تعزیرات تقاضای تعقیب نامبرده را می نماید. در پاسخ به اظهارات شاکیان در جلسه رسیدگی متهمه ضمن استناد به لایحه تقدیمی وکیل خود نسبت به رد اتهام عنوان شده اقدام می نمایند. وکیل متهمه نیز که با تقدیم وکالتنامه شماره ۹۵۸۶ و لایحه ثبت شده شماره ۲۸۹۶ مورخ ۷۴/۹/۲۵ در دعوی وارد و خلاصتاً در لایحه خود اظهار می دارند: "آنچه مسلم است این مطلب می باشد که فرش مورد دعوی در سایه اقدامات دادگاه در پرونده کلاسه... به مالکین مسترد می گردد از طرف دیگر در صورت عدم اجتماع عناصر سه گانه متشکله جرم (عنصر مادی، معنوی و قانونی) موضوع جرم منتفی خواهد بود و در پرونده فعلی مسئله سوء نیت متهمه (عنصر معنوی جرم) منتفی است و برای تایید و